

جایگاه افغانستان در طرح چینی ابتکار کمربند-راه (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)

نوروز هاشم‌زهی^۱، محمد آتش‌دست^۲

چکیده

افغانستان، همسایه چین است و با جایگیری در قلب آسیا، برای بازیگران جهانی از جمله چین مهم است. افغانستان به‌همراه پاکستان در طرح ابتکار-راه مشارکت دارد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که اهداف چین از عبور طرح ابتکار کمربند-راه از مسیر افغانستان چیست؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از رویکردهای نظری موازنه‌سازی، نظریه رژیم‌های بین‌المللی و نظریه وابستگی متقابل به تبیین اهداف و اقدامات قدرت‌های جهانی و به‌ویژه چین در صحنه سیاسی افغانستان پرداخته و نقش رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما در بازتاب این موضوع را مدنظر قرار داده است. بر اساس نتایج، بهبود اوضاع اقتصادی منطقه ناآرام سین‌کیانگ در شمال غرب چین، تثبیت جایگاه اقتصادی و تجاری چین در آسیای مرکزی، توسعه نفوذ اقتصادی چین در افغانستان و پاکستان و احیای جایگاه سنتی چین در مسیر راه ابریشم در چارچوب یک کریدور وسیع زمینی و دریایی با غرب آسیا و اروپا از جمله انگیزه‌ها و دلایل شکل‌گیری طرح چین محسوب می‌شود. همچنین چین به‌دلیل رقابت با قدرت‌های بزرگ، خواهان به‌حداقل رساندن نقش آنها در افغانستان و رسیدن به توازن قدرت با آنهاست؛ بنابراین درصدد جلب اعتماد افغانستان برآمده و خواستار عبور این طرح از افغانستان است.

واژه‌های کلیدی: افغانستان، چین، طرح ابتکار کمربند-راه، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

no_hashemzehi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

mohammadatashdast@gmail.com



۱. مقدمه

فروپاشی شوروی، استقلال کشورهای آسیای مرکزی و پایان رقابت‌های دوران جنگ سرد موجب شد که کشورهای واقع در مسیر تاریخی و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای درصدد برآیند تا با احیای جاده ابریشم، شرایط جدیدی را در عرصه‌های مختلف تجربه نمایند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به طرح‌های سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و نیز برنامه کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی (تراسیکا) ^۱ با مشارکت کشورهای منطقه آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و اتحادیه اروپا اشاره نمود. طرح ابتکار کمربند - راه چین که شامل سه مسیر زمینی (مرکزی)، دریایی (جنوبی) و شمالی است، از جمله مهم‌ترین طرح‌های اقتصادی و تجاری است که به موازات رشد اقتصادی بی‌سابقه چین در اقتصاد جهانی مطرح شده است و با تبلیغات رسانه‌ای و سرمایه‌گذاری گسترده چینی‌ها از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون پیگیری شده است.

چین در مسیر اجرایی شدن این طرح با چالش‌هایی روبرو است. انعقاد توافق‌نامه‌های گمرکی و ترجیحی، اختلافات ارضی و مرزی افغانستان با پاکستان در خط مرزی دیورند و هند و پاکستان در منطقه کشمیر، چالش‌های امنیتی ناشی از تروریسم و افراط‌گرایی، وجود طرح‌های رقیب مانند فدراسیون روسیه (اتحادیه اقتصادی اوراسیا)، ایالات متحده آمریکا (طرح راه ابریشم جدید و آسیای مرکزی بزرگ)، ترکیه (طرح راه ابریشم) و اتحادیه اروپا (ابتکار عمل باد ابریشم)، چین‌هراسی در آسیای مرکزی و نظارت ضعیف و فساد اقتصادی از جمله چالش‌های مهم به‌شمار می‌رود. کشورها و مناطق مختلفی تحت تأثیر طرح ابتکار کمربند - راه چین قرار دارند که یکی از این کشورها افغانستان است (کالجی، ۱۳۹۷).

افغانستان در طول تاریخ گذرگاه تهاجم جنگ‌جویان بسیاری برای لشکرکشی به هند بوده است. این کشور به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در قلب آسیا، در مسیر اصلی عبور کاروان‌های تجاری جاده ابریشم قرار داشته است. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که حضور آمریکا در این کشور گسترش یافت، با افزایش قدرت چین و رقابت سنتی روسیه و آمریکا این کشور به عرصه‌ای برای رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد که هر کدام خواهان مهار و کنترل طرف مقابل هستند. چین برای نفوذ در افغانستان باید رضایت این کشور را به‌دست آورده تا بتواند جایگزین مناسبی برای این کشورها باشد. به‌نظر جان مرشایمر، رسیدن به هژمونی منطقه‌ای



تنها راهی است که چین می‌تواند به‌وسیله آن به‌طور کامل بر تایوان مسلط شود و سایر مشکلات خود نسبت به سین‌کیانگ را حل کند (Mearsheimer & Brzezinski, 2005).

هدف این مقاله بررسی اهداف، دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری طرح ابتکار کمربند - راه چین و تبیین جایگاه افغانستان در این طرح با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی این است که «جایگاه و منافع افغانستان و چین در طرح ابتکار کمربند - راه چیست؟ پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: «ماهیت، ابعاد و اهداف چین در طرح ابتکار کمربند - راه چیست؟ نحوه تالاقی و هم‌پوشانی و یا تقابل و رقابت سایر طرح‌های رقیب (آمریکا، روسیه و هند) با طرح مورد نظر چینی‌ها چگونه است؟ رسانه‌های برون‌مرزی ایران به‌ویژه در حوزه شبه قاره و شرق آسیا چه رسالتی در این خصوص دارند و چه راهکارهای رسانه‌ای می‌توان ارائه کرد؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که «چین برای رسیدن به توازن قدرت با دیگر قدرتهای بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خصوصاً روسیه، هند، آمریکا و به‌منظور جلوگیری از نفوذ این قدرت‌ها و کاهش تأثیرات آنها بر چین در صدد مشارکت دادن افغانستان در این پروژه است». روش اصلی این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

۲. پیشینه پژوهش

منابع انگلیسی توجه خاصی به طرح چین نشان داده‌اند. «چه چشم‌اندازی برای راه ابریشم تحت رهبری چین و بانک توسعه زیرساخت‌های آسیایی وجود دارد؟» (Esteban and Otero- Iglesias, 2015)، «راه چینی: راه ابریشم جدید» (Brugier, 2014)، «ابتکار عمل‌های راه ابریشم جدید در آسیای مرکزی» (Fedorenko, 2013)، «چرا واشنگتن نیازمند همگرایی با راه ابریشم جدید حول محور آسیا است؟» (Kuchins and Sanderson, 2013)، «واشنگتن و راه ابریشم جدید: یک بازی بزرگ جدید در آسیا؟» (Najam and Humayun, 2012)، و «راه ابریشم جدید چین به مدیترانه: پل زمینی اوراسیایی و بازگشت به دریا سالار ژنگ‌هی» (Lin, 2011) از جمله منابع انگلیسی است.

مقاله‌های «مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی» (تیشه‌یار و تویسرکانی، ۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»



خداقلی‌پور، ۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه: قوام نظریه هارتلند» (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۵)، «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، موانع و چالش‌ها)» (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵)، «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کپنهاگ» (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳)، از جمله نوشتارهای فارسی هستند که به معرفی و تشریح ماهیت و ابعاد طرح چین و نیز سایر طرح‌های رقیب روسی، آمریکایی و اروپایی می‌پردازند. منابع اروپایی به دلیل قرار گرفتن اروپا در مسیر انتهایی شمالی (بندر ریگا و لیتوانی)، مرکزی (کمربند اقتصادی راه ابریشم) و جنوبی (راه دریایی ابریشم) که زمینه را برای افزایش تجارت زمینی، ریلی و جاده‌ای بین چین و کشورهای اروپایی فراهم می‌کند، به این طرح نگاه نسبتاً مثبتی دارند. منابع آمریکایی عمدتاً در قالب رقابت‌های ژئوپلیتیکی آمریکا و چین و تقابل دو طرح «راه ابریشم جدید» و «آسیای مرکزی بزرگ» مورد نظر آمریکا با طرح چین، نگرش انتقادی‌تری را مطرح می‌کنند.

در این پیشینه‌ها به جایگاه ویژه افغانستان در طرح ابتکار کمربند - راه و راهبردهای رسانه‌ای و نحوه انعکاس خبری تحولات به‌طور خاص پرداخته نشده است. از آن جایی که در پژوهش‌های قبلی صرفاً به مطالعه جاده ابریشم، اهداف چین از این اقدام و اهداف چین در افغانستان بدون ارتباط دادن آن با طرح چین پرداخته شده است؛ این مقاله از منظر سیاسی و اهدافی که چین در رقابت با دیگر بازیگران دارد، با نگاهی به نقش رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران و اهمیتی که می‌تواند در بازتاب آن ایفا کند، نوآوری دارد. در واقع تبیین جایگاه کشور مهم افغانستان در طرح چینی و ارائه پیشنهاد‌های رسانه‌ای برای نحوه پرداختن به این موضوع نوآوری این مقاله تلقی می‌گردد.

۳. چارچوب نظری

در این مقاله، الگوی نظری ترکیبی و متشکل از رویکردهای موازنه‌سازی، نظریه رژیم‌های بین‌المللی و نظریه وابستگی متقابل برای تجزیه و تحلیل موضوع به‌کار می‌رود. نظریه رژیم‌های بین‌المللی همکاری دولت‌ها در عرصه بین‌الملل را توضیح می‌دهد و به آن خوش‌بین است. مفهوم رژیم به معنای مجموعه قواعد و رویه‌ها و تصمیم‌گیری و رفتار برای تأمین و حفظ منافع است. این نظریه می‌تواند عکس‌العمل کشورهای کم‌قدرت در این منطقه را توضیح دهد (سازمند و رمضان، ۱۳۹۸).



موازنه‌سازی به سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی آن هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن تأمین و حفظ می‌کنند. این نظریه فرض را بر این قرار داده که کشورها بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر تعادل را جهت جلوگیری از افزایش قدرت دیگری به‌عنوان ابزارهای کنترلی اتخاذ نمایند. موازنه قدرت دارای هدف‌هایی از جمله «جلوگیری از بروز و استقرار یک قدرت برتر و مسلط، حفظ موجودیت عناصر تشکیل دهنده موازنه و خود موازنه، تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی، تقویت و تداوم صلح» است (قوام، ۱۳۹۳: ۱۱۱). طبق این نظریه، روابط بین دولت‌ها بر اساس قدرت و منافع ملی استوار می‌باشد و همه‌ی دولت‌ها در تلاش هستند تا حداکثر استفاده را از توازن قوا بدست آورند و منافع ملی خودشان را تأمین کنند. در این راستا به‌طور طبیعی دولت‌ها در یک روند رویارویی و مبارزه قرار می‌گیرند و هر یک برای نیرومند شدن و نیرومند ماندن تلاش بی‌وقفه‌ای را که به‌صورت اتحاد با دیگر دولت‌ها است، به‌دست می‌آورد. به طوری که نتیجه آن اتحاد و ائتلافی است که جلوی تجاوز را گرفته و صلح و ثبات را تأمین کند، در حقیقت بنیان نظریه توازن قوا بر این پایه است که قدرت‌ها تنها به‌وسیله قدرت، قابل کنترل و محدود شدن هستند، به طوری که توازن قوا موجب صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۷۰: ۲۳۶).

از نظر مورتون کاپلان، اصول اساسی موازنه‌سازی قدرت عبارت‌اند از: الف) افزایش توان جنگی کشور به‌منظور مداخله، نه جنگ. ب) بهره‌گیری از جنگ در شرایط اضطراری. ج) ادامه جنگ تا تسلیم دشمن، نه نابودی آن. د) مخالفت جدی با برتری هر یک از اعضا (Kaplan, 2003: 162). دو شرط اساسی تحقق سیستم موازنه از نظر کنت والتز وجود آناشری و دیگری وجود ابزار کنترلی است (Waltz, 1979: 126-127) که باید به صورت جمعی اتخاذ شود. منظور از توازن قوا این فرضیه است که همه روابط بین‌الملل ناشی از منافع ملی است که از طریق کسب قدرت، دولت‌ها همواره به‌دنبال حفظ آن هستند (سیف‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۰۳). وجود بازیگران متعدد سیاسی، فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع، توزیع نابرابر قدرت میان بازیگران صحنه روابط بین‌الملل، رقابت مستمر اما کنترل شده مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کمیاب جهان و تفاهم میان رهبران عمده جهان درباره نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیزم‌های توزیع قدرت از شرایط لازم برای موازنه قدرت است (قوام، ۱۳۷۰: ۶۱). چند مؤلفه اساسی از جمله: قطبیت، تعادل، موقعیت استراتژیکی و ادراک رهبران باعث تأثیر در رفتار استراتژیکی کشورها می‌شود (Moritzen, 1997: 85-87). ایجاد دولت‌های حائل، تشکیل اتحادها، ایجاد حوزه‌های



نفوذ، رقابت یا مسابقه‌ی تسلیحاتی، جنگ به‌عنوان آخرین حربه و مداخله از راه‌های اعمال توازن قوا است (Waltz, 1997: 103).

بر اساس نظریه وابستگی متقابل ویژگی اساسی نظام بین‌المللی امروزی نه منازعه و نه مبتنی بر منازعه و همکاری و بلکه مبتنی بر تعامل چندگانه و وابستگی متقابل به‌ویژه وابستگی متقابل اقتصادی و فنی و از بین رفتن سلسله مراتب و کنترل است. در واقع مفهوم وابستگی متقابل را می‌توان ذیل نظریات مربوط به همگرایی اعم از کارکردگرایی، نوکارکردگرایی و ارتباطات یافت (سازمند و رضانی، ۱۳۹۸).

۴. طرح ابتکار کمربند - راه چین

از دو هزار سال پیش که ژان جیانگ^۱ امپراتور چین جاده ابریشم را احداث کرد، این جاده برای تجارت کالاهای چینی از غرب به شرق کشیده شد. در قرن حاضر در سال ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور چین «شی جین پینگ»^۲ پیشنهاد یک شبکه حمل‌ونقل مرکب از راه‌ها، جاده‌ها، خطوط لوله و شبکه‌های نرم‌افزاری که چین و آسیای مرکزی را به غرب آسیا و اروپا وصل می‌کند، با هدف همکاری‌های اقتصادی مطرح کرد. طرح ابتکار کمربند - راه که در شورای دولتی چین در سال ۲۰۱۵ به آن پرداخته شد با عبور از حدود ۶۵ کشور در سه قاره تقریباً معادل ۲۱ تریلیون دلار گردش مالی دارد (شیدا، ۱۳۹۸) و بالغ بر ۶۲ درصد جمعیت جهان، حدود ۳۹ درصد از مساحت زمین و ۳۰ درصد از تولید ناخالص جهان را شامل می‌شود.

جاده خشکی این طرح از شی آن^۳ در نواحی مرکزی چین آغاز شده و پس از گسترش به سمت غرب از استان گانسو^۴ و دو شهر خورگاس^۵ و ارومچی^۶ گذر استان سین کیانگ^۷ می‌گذرد. این جاده سپس به سمت جنوب‌غربی رفته و پس از عبور از آسیای مرکزی، شمال ایران، عراق، سوریه و ترکیه را پشت سر می‌گذارد. سپس از استان بسفر در استانبول گذشته، بلغارستان، رومانی، جمهوری

-
1. Jan jiank
 2. Xi Jinping
 3. Xi'an
 4. Gansu
 5. Khorghas
 6. Urumqi
 7. Xinjiang



چک و آلمان را طی می‌کند، پس از آن به هلند کشیده شده و در نهایت به ونیز^۱ ایتالیا می‌رسد و نیز نقطه پایانی دو مسیر دریایی و زمینی مورد نظر چین خواهد بود (Brugier, 2014: 63).

راه دریایی از گوانجو^۲ در استان فوجیان^۳ چین آغاز، پس از عبور از استان‌های گوانگدونگ^۴، گانسو و هاینان^۵ به تنگه مالاگا در جنوب می‌رسد. پس از عبور از کوالالامپور به سمت کلکته رفته و از اقیانوس هند به نایروبی در کنیا، پس از آن از شاخ افریقا گذشته و به دریای سرخ می‌رود. نقطه پایانی آن شهر ونیز ایتالیا خواهد بود (جمشیدی و خاتمی، ۱۳۹۷: ۹). در می ۲۰۱۴ میلادی اولین فاز از پایانه مشترک ساخته شده توسط چین و قزاقستان از بندر لیان یونگانگ^۶ در شرق استان جیانگسوی^۷ چین عملیاتی شد. این پایانه با سرمایه ۶۴ میلیون یوانی چین و به‌عنوان بخشی از طرح ابتکار کمربند - راه عملیاتی شد و در اکتبر ۲۰۱۴ تقریباً ۲۱ کشور آسیایی تمایل پیوستن به بانک زیرساخت آسیایی (به‌عنوان بانک سرمایه‌گذار و حامی ملی در این پروژه) را به‌عنوان اعضاء مؤسس اعلام کرده و تفاهم‌نامه مشترکی را برای تاسیس این بانک ایجاد نمودند که این تعداد در ژانویه ۲۰۱۵ و با پیوستن برخی دیگر از کشورها به ۵۶ کشور ارتقا یافت. در ۲۸ مارس ۲۰۱۵ کمیسیون اصلاح و توسعه ملی چین، وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی این کشور مشترکاً طرح ابتکار کمربند- راه را با عنوان چشم‌انداز مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ که شامل اصول، چارچوب و اولویت‌های همکاری می‌باشد، منتشر کردند (شیدا و کای، ۱۳۹۸: ۱۳).

۴-۱. هدف چین از مشارکت افغانستان در طرح ابتکار کمربند- راه و جایگاه افغانستان در آن

در سال‌های اخیر افغانستان و منطقه از سوی بازیگران در معرض روندهای جدید فرامنطقه‌گرایی قرار گرفته است. آمریکا با دو طرح «طرح آسیای مرکزی بزرگ» و «راه ابریشم جدید» در جهت

1. Venice
2. Guangzhou
3. Fujian
4. Guangdong
5. Hainan
6. Lianyungang
7. Jiangsu



شمالی- جنوبی، چین با «طرح ابتکار کمربند - راه» و روسیه با طرح «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» درصدد هدایت همگرایی منطقه‌ای در راستای اهداف و منافع مورد نظر خود برآمده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به اجرای طرح‌های اقتصادی در حوزه‌های انرژی و ترانزیتی در سمت شمال (روسیه)، شرق (چین) و غرب (ایران و دریای خزر) از طرف کشورهای آسیای مرکزی، گسترش طرح‌های اقتصادی با افغانستان، هند و پاکستان (مسیر جنوبی) به صورت جدی در دستور کار کشورهای این منطقه قرار گرفته است. احداث خط لوله گاز تاپی (ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند)، خط انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ (قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان)، راه آهن افغانستان - ازبکستان (حیرتان - مزار شریف) و ترکمنستان - افغانستان (تورغندی - هرات) از جمله طرح‌های مهم اقتصادی هستند که برآیند اجرای آن‌ها افزایش پیوستگی ژئواکونومیکی آسیای مرکزی با افغانستان، پاکستان و هند (آسیای جنوبی) خواهد بود. در چنین شرایط و فضای است که افغانستان به عنوان یکی از همسایگان مهم، مورد توجه مقامات چینی قرار گرفته است. چین در سال ۲۰۱۴ میزبان گفت‌وگوهای مستقیم مقامات افغان و نمایندگان طالبان بوده و پاکستان را نیز به اتخاذ سیاستی نرم‌تر در قبال افغانستان ترغیب کرده است (Clarke, 2016).

در نقطه مقابل، افغانستان درصدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های طرح چین برای احیای جایگاه تاریخی خود است. پیوستن به این طرح می‌تواند بخشی از مشکلات افغانستان که جاده و شبکه راه آهن و خطوط هوایی مناسب ندارد و فاقد دسترسی به دریا است، را رفع کند. افغانستان در حال اجرای برنامه توسعه ملی ۱۰ ساله (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴) است، در این راستا تلفیق برنامه توسعه ملی افغانستان با طرح چین می‌تواند بخش مهمی از این برنامه را تحقق بخشد. دولت افغانستان آرزو داشت از مسیرهایی غیر از پاکستان به این شبکه بیبوند. اشرف غنی، در سفر سال ۲۰۱۴ به چین خواستار ارتباط مستقیم تجاری میان افغانستان و چین از طریق دهلیز «واخان» شده بود که در صورت عملیاتی شدن، منطقه «سین کیانگ» چین از طریق واخان بدخشان به افغانستان وصل می‌شد. اما چینی‌ها متمایل به همکاری افغانستان در دهلیز اقتصادی چین-پاکستان هستند. توافق افغانستان برای پیوستن به دهلیز اقتصادی چین-پاکستان در اجلاس سه‌جانبه پکن با شرکت وانگ‌یی، وزیر خارجه چین، صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه افغانستان و خواجه محمد آصف، وزیر خارجه پاکستان در دسامبر ۲۰۱۷ اعلام شد. دهلیز اقتصادی چین-پاکستان که با هزینه ۵۷ میلیارد دلار، راه چین را به سوی دریای هند می‌گشاید، با پیوستن افغانستان به این طرح، شاخه‌ای از این دهلیز اقتصادی از طریق افغانستان به سوی آسیای میانه هم کشیده خواهد شد. چالش اصلی برای

پیوستن افغانستان به این دهلیز اقتصادی، روابط نه چندان گرم بین کابل و اسلام‌آباد و ناامنی در افغانستان است. افغانستان مرز بین دو کشور را به رسمیت نمی‌شناسد و پاکستان را متهم به حمایت از گروه طالبان می‌کند (شیدا، ۱۳۹۸: ۲۳).

هند همسو با آمریکا از منتقدان اصلی طرح چین است و آن را زمینه‌ساز هژمونی چین می‌داند و هشدار داده که اجرای این طرح از شفافیت کافی برخوردار نیست و کشورهای دارای اقتصادی ضعیف را به اقتصاد چین وابسته می‌کند. هند خود در حال بهره‌برداری از مسیر دریای هند به بندر چابهار، افغانستان و آسیای میانه است. افغانستان از یک سو از طرح بندر چابهار با محوریت هند حمایت می‌کند تا پاکستان را دور بزند و از سوی دیگر، متکی به کمک‌های سایر متحدان غربی خود است. در چنین وضعیتی، افغانستان در راستای توازن‌بخشی و تنوع‌بخشی به سیاست خارجی درصدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی طرح چین به‌ویژه در زمینه شبکه خطوط ریلی است و به‌طرحی می‌پیوندد که می‌تواند به هژمونی چین بینجامد (شفاهی، ۲۰۱۹).

یکی از همسایگانی که جهت تأمین امنیت افغانستان تلاش‌هایی را انجام داده، چین است. چین به این نتیجه رسیده است که پیش‌شرط امنیت در افغانستان و به‌دست گرفتن ابتکار عمل در رقابت با سایر بازیگران، ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت توسعه در این کشور است، که در صورت اجرای آن امنیت افغانستان و به تبع آن امنیت در مرزهای خود را افزایش داده و علاوه بر آن رضایت مقامات افغانستان را به‌دست می‌آورد تا به هدف اصلی که همان یک‌تازی در صحنه سیاسی است دست یابد (شیدا، ۱۳۹۸). مقامات چینی معتقدند با گذشت سال‌ها از همکاری این دو کشور، همکاری‌ها و روابط طرفین گسترده‌تر خواهد شد. با آغاز حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ اشرف غنی، کشور چین را به‌عنوان یک دوست خوب انتخاب و با «شی جین پینگ» ملاقات نمود و در این نشست، هر دو کشور توافقات همکاری‌های اقتصادی و راهبردی خویش را اعلان و در یک بیانیه مشترک، به بازسازی کمربند اقتصادی جاده ابریشم اشاره نمودند و خاطرنشان کردند که بازسازی کمربند اقتصادی جاده ابریشم نه‌تنها به سود هر دو کشور است، بلکه کشورهای منطقه را نیز به هم متصل می‌کند و باعث پیشرفت کشورهای منطقه می‌شود. از نظر دولت چین، اشتراک دولت افغانستان در این پروژه برای اتصال جنوب، غرب و مرکز آسیا بسیار مهم است (شیدا و کای، ۱۳۹۸: ۲۳). چین آماده است تا کمک‌های خود به بازسازی افغانستان را از طریق شریک نمودن این کشور در طرح ابتکار کمربند-راه افزایش دهد (alizada & bismillah, 2018: 36). چین با عبور طرح ابتکار کمربند - راه از افغانستان درصدد کاهش حضور و نقش بازیگران عمده





جهانی است که دارای پیشینه تاریخی پررنگی در افغانستان بوده و با توجه به نداشتن پیشینه حضور در آن کشور به توازن قدرت با آنها در صحنه سیاسی افغانستان پرداخته تا به اهدافی که در رابطه با هر کدام از آنها دارد برسد.

۵. رقابت کشورهای مختلف با چین در افغانستان

۵-۱. پیشینه تاریخی نفوذ هند در افغانستان

روابط دیرینه هند با افغانستان موجب شده این کشور همواره در رقابت با پاکستان توجه بیشتری به افغانستان داشته باشد (تمنا، ۱۳۸۷: ۲۴). آمریکا به جهت اجتناب‌ناپذیر بودن رقابت راهبردی با چین الزام همکاری با هند را به خوبی دریافت و به جهت عدم وجود سابقه تاریخی منازعه، فقدان رقابت منطقه‌ای و جهانی، ضرورت‌های اقتصادی و تفاهم ارزشی، حرکت به سمت هند در جهت ایجاد روابط نزدیک‌تر را مطلوب یافت (دهشیار، ۱۳۸۲: ۳۳۹). هند تلاش نمود با سرمایه‌گذاری، حمایت و توسعه بندر چابهار ایران و دسترسی مناسب‌تر به افغانستان از طریق ایران و همچنین انجام کمک‌های اقتصادی، نفوذ سیاسی و افزایش ارتباطات با کشورهای آسیای میانه که راهی به دریا ندارند، اثرات طرح توسعه بندر «گوادر» در ایالت بلوچستان پاکستان توسط چین را به حداقل برساند و این اقدام هند به‌نوعی جنگ پنهان بین دهلی‌نو و پکن است. هند با نفوذ در افغانستان و ایجاد کنسولگری، نفوذ سیاسی خود را افزایش داده و ساختمان پارلمان افغانستان را بنا کرده و «نارندار مودی» نخست‌وزیر هند در سفر به کابل در مراسم افتتاح ساختمان جدید پارلمان افغانستان شرکت کرد. علاوه بر این هند با در اختیار قرار دادن بالگردهای نظامی قصد دارد توان نیروهای ارتش افغانستان را در مبارزه با تروریسم در منطقه افزایش دهد (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵).

چین گام‌های مؤثرتری را نسبت به رقیب آسیایی‌اش، هند، برداشته و آمادگی بیشتری برای فراهم‌سازی زمینه توسعه اقتصادی گسترده‌تر در سطح جهان دارد. در زمینه رقابت‌های نظامی و سیاسی هم این دو کشور در سی سال گذشته تنش‌های زیادی داشته‌اند و این تنش‌ها گاهی تأثیرات سوء و گاهی نیک در افغانستان داشته است. این که این رقابت‌ها چقدر به سود افغانستان است، امری است که استلزام داشتن یک سیاست معینی را می‌طلبد. پس هم‌چنان ایجاد تعادل و موازنه میان این دو کشور از سوی دولت‌مردان افغانستان است که از آنها به‌مثابه قدرت‌های بزرگ اقتصادی منطقه در زمینه‌ی بازسازی و امنیت کشور استفاده و این موازنه قدرت را به‌خوبی مدیریت



کنند. در غیر این صورت، تنش‌های ویرانگر این دو همسایه باعث ایجاد ناامنی و تضعیف حاکمیت ملی و همچنان استفاده‌جویی‌های منفی از منابع طبیعی افغانستان می‌شود و تأثیر سوء و جبران‌ناپذیری را بر اقتصاد افغانستان خواهد گذاشت (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۳۳).

چین، تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی را تهدید بزرگی برای امنیت خود می‌داند، ولی تاکنون گامی عملی برای زدودن بستر فعالیت این گروه‌ها برنداشته است. در صورتی که چین برای گسترش بازار تجارت جهانی و به‌دست آوردن فرصت‌های خوب اقتصادی - تجاری نیاز مبرم به امنیت دارد و این امر تنها زمانی ممکن است که پاکستان را متقاعد سازد تا در مبارزه با تروریسم در منطقه تلاش به خرج دهد که خود باعث آماده‌سازی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان برای چین می‌شود.

با توجه به دیدگاه پکن - اسلام‌آباد و تضاد سیاست‌های اسلام‌آباد با دهلی‌نو، این دیدگاه‌های متفاوت دو طرف در بعد داخلی افغانستان ممکن است اختلاف میان دهلی‌نو - پکن را بیشتر کند. پاکستان و چین در رقابت جدی با هند به سر می‌برند. با وجود انعطاف‌پذیری که از سوی هند در موضوع افغانستان نسبت به چین تجربه شده است، اما چین از پاکستان در چالش‌آفرینی سر راه هند استفاده می‌کند و آتش رقابت منفی این دو کشور را شعله‌ورتر می‌کند تا بتواند هند را بیشتر درگیر مسایل سیاسی - امنیتی سازد. از طرفی هند به طرح جاده ابریشم چین بدبین است و طرح مائوسام^۱ را که طرح چین را به چالش می‌کشد ارائه داده است. این طرح از منظر هندی‌ها یادآور عظمت هند و نقش اقیانوس هند در تجارت است و محدوده شرق آفریقا، سریلانکا، جنوب ایران و جنوب شرق آسیا را شامل می‌شود (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه ابتکار کمربند - راه چین، پاکستان را شامل می‌شود، نگرانی هند از این امر چند برابر شده و دهلی‌نو به دنبال همکاری با طرح جاده ابریشم آمریکا که نقطه مقابل طرح چین است می‌باشد. هر چند چین سعی در جلب همکاری هند در اجرای این طرح دارد، اما هم به دلیل هم‌سویی با سیاست‌های آمریکا و هم از دست ندادن ابتکار عمل در مقابل چین، احتمال همکاری هند با چین در این پروژه اندک است (Zimmerman, 2015: 19).



۵-۲. روابط تاریخی روسیه و افغانستان و رقابت روسیه با چین در این کشور

هدف جدی روسیه در افغانستان جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و مواد مخدر به کشورهای آسیای مرکزی و خاک روسیه است. بسیاری از گروه‌های تروریستی در این دسته از کشورها نه تنها کمک‌های مالی از گروه‌های افغانی دریافت می‌کنند بلکه هدایت فکری آنان نیز بر عهده نیروهای افراطی در افغانستان است. در این میان استراتژی چین، خرید انرژی و کانی‌های معادن مفید در آسیای میانه، ایران، افغانستان و همچنین سرمایه‌گذاری‌های کلان در این کشورها است. روشن است روس‌ها به تنهایی توان رقابت با سرمایه چین را ندارند، بنابراین جهت جلوگیری از نفوذ چین، تشکیل اتحادیه اوراسیایی را اعلام کردند که هدف از آن اتحاد دوباره جمهوری‌های اتحاد شوروی و کاهش نقش آفرینی چین است. روابط روزافزون اقتصادی چین در آسیای میانه و افغانستان نگرانی‌های مسکو را دربر دارد، در حالی که هر سه کشور عضو سازمان همکاری‌های شانگهای هستند (افغانستان عضو ناظر است) و می‌توانند برنامه‌های کلان اقتصادی‌شان را در آن هماهنگ سازند. همچنین آنها در مورد اوضاع منطقه و راه‌های حل مشکلات دیدگاه‌های همسان ندارند. همه آنها معتقدند که تهدید اساسی در افغانستان تروریسم است، اما درباره منبع این تهدید، دیدگاه یکسان ندارند. در حالی که افغانستان و روسیه، طالبان را نیروهای تحت‌الحمایه اسلام‌آباد برای اهداف ژئوپلیتیک آن می‌شناسند، چین باور دارد که اسلام‌آباد می‌تواند در روند صلح نقش مهمی داشته باشد. به نظر چین عدم خروج نیروهای بین‌المللی، مشکلات داخلی، فساد و ضعف نهادهای رسمی در افغانستان سبب شده تا طالبان بهتر سربازگیری کند، باید با طالبان وارد مذاکره شد و آنها را وارد روند سیاسی کرد (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۳۵-۲۰).

۵-۳. حضور آمریکا در افغانستان و تضادهای اساسی با حضور چین

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر نفوذ آمریکا در افغانستان افزایش چشم‌گیری پیدا کرد. افغانستان پتانسیل با وجود ذخایر عظیم انرژی و آب، فرصتی راهبردی برای بهره‌برداری از پروژه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا در قرن ۲۱ را دارد (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۱۴). چین با افزایش حضور نظامی آمریکا و حضور بلندمدت آن در افغانستان مخالف بود، زیرا معتقد بود بخشی از طرح آمریکا در آسیای مرکزی و افغانستان تهدید چین به لحاظ امنیتی و کنترل برنامه‌های راهبردی چین برای سین کیانگ است. سیاست چین در افغانستان متوجه بیرون راندن آمریکا و پیگیری روند صلح در افغانستان بوده است. آمریکا با ادعای مبارزه با تهدیدهای امنیتی و جلوگیری از بسط افراط‌گرایی به حضور در افغانستان که در عین حال محاصره چین را مدنظر داشت پرداخت. هر چند آمریکا افزایش تعامل چین را در



افغانستان به فال نیک گرفته و معتقد است که علایق راهبردی امریکا اکنون تغییر کرده و مشارکت چین در افغانستان را به نفع خود می‌داند، اما مقامات افغانستان معتقدند رقابت اعلام نشده‌ای بین چین و امریکا وجود دارد. از نظر آنها دو طرف خواهان دست یافتن به منابع طبیعی افغانستان هستند زیرا داشته‌های افغانستان در منطقه کم نظیر است و دوم موضوع نفوذ نظامی امریکا در افغانستان که در تضاد با اهداف چین است مطرح می‌باشد (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۹).

تلاش امریکا برای نفوذ در افغانستان و تلاش چین برای جلوگیری از این موضوع به یکی از مهمترین مسائل پکن - واشنگتن تبدیل شده است. این موضوع سبب شده روسیه و چین به تفاهماتی موضوعی دست یابند. به باور برخی تحلیلگران، سازمان همکاری شانگهای با حضور روسیه و چین از ابتدا یک پیمان ضد آمریکایی بوده که سپر دفاعی موشکی را محکوم کرده است. چین نمی‌تواند اجازه دهد که انقلاب‌های رنگی در این منطقه رخ دهد و مانند روسیه وقوع این انقلاب‌ها را نشأت گرفته از خارج می‌داند که بیانگر سیاست آگاهانه برای کنترل چین می‌باشد (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

چین از اینکه افغانستان که مجری سیاست‌های ناتو در منطقه باشد، رضایت ندارد و دور ساختن افغانستان از غرب و ناتو یکی از راهبردهای پکن است. در این میان غیبت راهبردی چین در افغانستان در کنار گسترده‌تر شدن نفوذ امریکا در افغانستان به‌عنوان یک تهدید جدی است و باید با راهکارهایی چون توجه به صلح در افغانستان مانع از حضور بیشتر غرب در کشور همسایه شد. به‌علاوه از نگاه چینی‌ها به‌دلیل چهره غیرموجه امریکا و غربی‌ها در افغانستان و چهره مثبت چین، فضا برای نقش سازنده‌تر پکن در افغانستان فراهم است. همچنین با توجه به اینکه قبلاً افغانستان از پکن برای ایفای نقش پررنگ‌تر در این کشور استقبال کرده، روابط میان چین و افغانستان در ده سال گذشته رو به گسترش بوده و علی‌رغم داشتن مرز کوتاه و کوهستانی با افغانستان، پکن در مورد تحولات افغانستان حساس است. در این بین موفقیت چین در میانجی‌گری بین کابل و طالبان می‌تواند نفوذ سیاسی چین را در افغانستان به‌عنوان بازیگر مهم افزایش دهد (شفیعی و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۵-۴). چینی‌ها به‌دنبال دستیابی به منابع و ذخایر زیرزمینی افغانستان هستند، و یکی از اهداف چین از عبور دادن جاده علاوه‌بر واکنش به نقش پررنگ امریکا در افغانستان، دستیابی به منابع طبیعی افغانستان و رقابت پنهان با امریکا است.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت امریکا قبل از مطرح شدن طرح ابتکار کمربند-راه چین، در سال ۲۰۱۱ یک طرح استراتژیکی و ترانزیتی را مطرح کرد (Clinton, 2011: 6). جاده ابریشم



آمریکا به‌عنوان یک مسیر اصلی بر توسعه حمل‌ونقل تأکید دارد که در مقابل ابتکار کمربند-راه چین قرار می‌گیرد. آمریکا با در نظر گرفتن اهداف و مواضع خود تحرکات چین را زیر نظر گرفته تا آنجایی که در مقابل طرح چین سعی در ایجاد جاده ابریشم خود با تمرکز بر افغانستان دارد. طرح آمریکا از ترکمنستان شروع و با گذر از افغانستان و پاکستان به هند می‌رسد که درصدد است علاوه بر انتقال انرژی از آسیای میانه به هند از طریق افغانستان سایر شبکه‌های حمل‌ونقل را مد نظر قرار دهد. نگاه دیگر این طرح به این نکته بر می‌گردد که اگر افغانستان به‌صورت پایدار در اقتصاد منطقه ادغام شود، علاوه بر جذب بهتر سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده از منابع بالقوه‌اش می‌تواند مانع زیاده خواهی‌های چین نه تنها در این کشور بلکه در پاکستان و آسیای میانه شود (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۳۳). در حال حاضر ارتباطات میان آسیای مرکزی از طریق این طرح در جریان است؛ مثلاً برق از پاکستان و ترکمنستان بخش اعظم انرژی برق افغانستان را تأمین می‌کند و خطوط ریلی بین این کشورها توسط آمریکا ساخته شده است. آمریکا بیش از ۴۰ پروژه زیرساختی در قالب جاده ابریشم خود به‌منظور کاهش کارایی ابتکار کمربند - راه چین در دستور کار دارد. بخشی‌هایی از این طرح‌ها در سال ۲۰۱۵ با حضور سران این کشورها و مقامات آمریکایی افتتاح شد و آمریکا هدف از این طرح‌ها را کمک به کشورهای منطقه جهت بازسازی اقتصادی، توسعه سیاسی و جلوگیری از مداخله سایر بازیگران اعلام کرد (همان).

باراک اوباما رییس‌جمهور سابق آمریکا بارها بر لزوم هرچه قاطعانه‌تر اجرا شدن این طرح آمریکا تأکید کرده است. در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیز جو بایدن، بر لزوم تحکیم زیرساخت‌ها و اقدامات لازم برای پیگیری و توسعه این طرح با هدف کمک به افغانستان، آسیای میانه و جلوگیری از برنامه‌های ضد محیط‌زیست چین که به زعم مقامات آمریکایی طرح ابتکار کمربند - راه چین چیزی جز بار آوردن خسارت‌های زیست محیطی نیست، تأکید داشت. بایدن در این موضع‌گیری ضعف ترامپ در کنترل چین در این منطقه را متذکر شده و جهت حمایت از طرح جاده ابریشم آمریکا خواستار توجه و افزایش سرمایه‌گذاری در این طرح شد. او تأکید کرد در صورت پیروزی در انتخابات، مانع اجرای برنامه‌های غیراستاندارد و غیرقانونی چین و ابتکار کمربند - راه خواهد شد (Aarhi, 2020).

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه موازنه در صورتی که چین سیاست به‌دور از تنش را در پیش داشته باشد، آمریکا و سایر قدرت‌ها رفتار چین را مسالمت‌آمیز تصور کرده و درصدد رقابت با آن برنخواهند آمد. در این راستا چین که یکی از قدرت‌های عمده به‌حساب می‌آید با عبور جاده از افغانستان که حضور ابرقدرتی مانند آمریکا را در آن احساس می‌کند، خواستار کاهش منافع آمریکا در افغانستان است. از یک طرف آمریکا برای سلطه بر کشورهای آسیای مرکزی و کاهش سرعت روبه‌رشد چین به افغانستان به‌شدت نیاز دارد و از طرف دیگر چین برای رسیدن به قدرتی برابر با دیگر ابرقدرت‌ها و خصوصاً با آمریکا، خواهان کنترل این کشور و دور کردن واشنگتن از صحنه سیاسی افغانستان است. همچنین نفوذ گسترده هند در افغانستان چین را وادار به این امر می‌کند که به مشارکت دادن افغانستان در ابتکار کمربند-راه با نفوذ هند، مقابله کند، از سوی دیگر روسیه هم برای رقابت با قدرت‌های جهانی و چین خواهان کنترل هر یک از آنها است. با توجه به افزایش قدرت اقتصادی چین نسبت به روسیه، روس‌ها در پی جلوگیری از افزایش قدرت چین در افغانستان و به تبع آن خواهان قدرت بیشتر در آسیا و رقابت جدی با چین در آینده هستند. چین برای خنثی کردن قدرت رقباتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و رسیدن به توازن قدرت با این بازیگران خواهان کنترل نفوذ آنها بر مناطق پیرامونی خصوصاً افغانستان است.

اینکه چین چگونه برخلاف ارزش‌های ایدئولوژیک خود ابتکار کمربند-راه را ارائه داده و پشتیبانی می‌کند در پرتو نظریه وابستگی متقابل قابل تحلیل است. چین به‌ظاهر معتقد است، مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری، عدالت، همکاری و منفعت دوجانبه باشد. طرح چین کشورهای واقع در مسیر تاریخی راه ابریشم را در خود گنجانده است و از این حیث تا حد بسیار زیادی در راستای اهداف و منافع کشورهای منطقه به‌ویژه ایران و افغانستان و تقویت نقش ترانزیتی آنها در سطح منطقه است.

در این مقاله با نگاه به افغانستان، به عرصه رقابت پنهان چین-آمریکا، چین-روسیه و چین-هند که هر کدام اهداف خاصی را دنبال می‌کنند پرداخته شد. چین در باطن رقیب قدرت‌های عمده جهانی است. بنابراین هند همسایه این کشور و متحد آمریکا با چراغ سبز آمریکا به نقش‌آفرینی بیشتر در کشور همسایه چین یعنی افغانستان پرداخته است. روسیه رقیب دیگر چین در افغانستان، بازیگری فعال در این کشور است. آمریکا اکنون خواهان مهار چین و ممانعت از رسیدن این کشور به جایگاه ابرقدرتی است. حضور طولانی‌مدت آمریکا در افغانستان، به چالشی اساسی در سیاست





خارجی چین تبدیل شده است. بنابراین دخالت چین در افغانستان در قالب ابتکار کمربند - راه مؤلفه‌ای مهم در بازی ژئوپلیتیکی جدید خواهد بود. گرچه ظاهراً بین هر چهار قدرت نوعی همکاری در جهت مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم وجود دارد اما این همکاری با هدف گرفتن نقش پیش‌دستی در موازنه با دیگر قدرت‌ها است. تلفیق راهبردهای این بازیگران بدین معناست که دولت افغانستان تحت تأثیر نفوذ قدرت‌های بزرگ جهت حفظ تعادل و موازنه قرار خواهد گرفت، قدرت‌هایی که تلاش دارند نفوذ خود در حوزه امنیت و حمایت از شرکای خود را به حداکثر برسانند (شراکت چین - روسیه و شراکت آمریکا - هند). وجود رقابت میان این قدرت‌ها بیانگر آن است که تضعیف هر کدام از آنها به معنای تقویت کنش‌گر دیگر است. چین و روسیه مخالف حضور آمریکا و هند در افغانستان هستند؛ بنابراین چین و روسیه با همکاری مصلحتی سعی در به دست آوردن توازن قدرت میان آمریکا و هند را دارند. از آن‌جا که افغانستان توان لازم برای مهار هیچ‌کدام از آنها را ندارد، با اتخاذ سیاست صحیح می‌تواند در عین همکاری با هر کدام از آنها منافع و مصالحش را با هوشیاری تأمین کند. آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی که از قدرت‌گیری پکن نگران هستند، سعی در ادامه و گسترش حضور خود در مناطق حیاتی مثل افغانستان را دارند.

ایران و افغانستان، عنصر مرکزی در ابتکار کمربند - راه چین محسوب می‌شوند. انعقاد برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، افزایش روابط تجاری ایران و چین در مقابل غرب، از جمله در حوزه انرژی، موقعیت ویژه جغرافیایی ایران به لحاظ جابه‌جایی کالا و عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز و زمان کوتاه مسیر به سوی اروپا و خلیج فارس از طریق خاک ایران در اقتصاد جهانی، مزیتی اساسی است. طرح کریدور شمال - جنوب یک فرصت بی‌نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران است؛ از طرفی، برای تقویت و حمل کالای ترانزیتی در اسرع زمان با هزینه کمتر و ایمنی بیشتر، احداث خط آهن چابهار - سرخس ضروری به نظر می‌رسد. همچنین قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال - جنوب و در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و آسیای جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از سوی دیگر، به‌عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد می‌شود. به‌دلیل کوتاهی مسیر در کریدور شمال - جنوب و تجهیز امکانات و زیرساخت‌ها و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات گسترده در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل، مسیر ایران از جذابیت‌های فراوانی برای ترانزیت کالا برخوردار است.

۷. راهکارهای رسانه‌ای

طرح چین در مقایسه با طرح‌های قدرت‌های دیگر تا حدودی تأمین‌کننده منافع ایران و افغانستان و پاکستان است، اما تاکنون چارچوب حقوقی مشخصی در مورد طرح، بین ایران و چین مورد توافق قرار نگرفته است و جایگاه ایران در مقایسه با پاکستان در طرح چین، روشن نیست. برخلاف پاکستان که طرح‌های مختلف راه ابریشم به صورت شفاف بر روی نقشه ترسیم و ردیف اعتباری مشخصی نیز برای هر یک از طرح‌ها پیش‌بینی شده است، جایگاه ایران و افغانستان در ابتکار کمربند-راه چین در حد کلیات باقی مانده است. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مربوط به طرح کمربند-راه چین در رسانه‌های برون‌مرزی، ابعاد این موضوع تبیین و تشریح شود.

گزارش‌های خبری، تولیدی و میزگرد کارشناسی با حضور کارشناسان چینی، پاکستانی، افغانستانی و ایرانی برای معرفی و تشریح ظرفیت‌ها تهیه شود. از جمله ایده‌های جذاب، برنامه‌سازی است که در بخش رادیو چینی، دری و پشتو می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تبیین ظرفیت‌های همکاری متقابل ایران، افغانستان و کشورهای منطقه در زمینه طرح چین به‌ویژه در زمینه کریدورهای ارتباطی زمینی و ریلی و اتصال منطقه آسیای مرکزی به ترکیه و اروپا و نیز خلیج فارس و دریای عمان از برنامه‌هایی است که می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

در برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای و مذاکرات با طرف چینی، عبور از کلیات و ترسیم نقشه مشخص از جایگاه ایران و افغانستان در مسیرهای زمینی و دریایی و نیز اعتبار تخصیص یافته برای هر یک از طرح‌ها مطالبه شود. براساس اسناد منتشرشده تنها یکی از کریدورهای ترسیم شده از شمال ایران عبور خواهد کرد که این کریدور هم دارای مسیرهای جایگزین (رقیب) از مسیر دریای خزر است؛ لذا پیشنهاد می‌شود نقش ایران در کریدورهای مختلف برجسته و رسانه‌ای شود.

با توجه به انعقاد برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، باید بر روی موضوع عدم ذکر نام ایران در اسناد رسمی، پرداخت رسانه‌ای مناسبی صورت گیرد تا زمینه برای گنجاندن نام ایران در اسناد رسمی طرح چین فراهم شود. همچنین بر جایگاه سنتی ایران به‌عنوان بخش اصلی راه تاریخی ابریشم و این نکته که طرح چین بدون در نظر گرفتن جایگاه تاریخی و سنتی و موقعیت کنونی ژئوپلیتیکی و ترانزیتی ایران که پل ارتباطی شرق و غرب است، نمی‌تواند به موفقیت قابل انتظار و مطلوبی دست یابد و لزوم مشارکت ایران در احداث و راه‌اندازی و تداوم طرح چین، تأکید شود.

در رادیوهای چینی، دری و پشتو تأکید ویژه‌ای بر همکاری‌های مشترک با چین برای توسعه شبکه ریلی افغانستان و ایران و پاکستان صورت گیرد و استفاده از قابلیت‌های رسانه‌ای ایران برای





کاهش اختلاف پاکستان و افغانستان و اولویت همسویی با طرح چین برای مقابله با طرح‌های آمریکا، هند و روسیه هر چه بیشتر بیان شود.

در روند تهیه گزارش‌های خبری، برنامه‌های مستند و میزگردی در رابطه با طرح چین مناسب است از ادبیات و اشعار مربوط به تاریخ ماورالنهر، نقش تاریخی، فرهنگی و اجتماعی راه ابریشم در تبادل فرهنگ و اندیشه مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا بر جایگاه راه ابریشم در کنار حوزه فرهنگی نوروژ به‌عنوان بخشی از میراث مشترک و ناملموس مورد حمایت یونسکو و نقش آن در ایجاد همگرایی ملت‌های منطقه و بر نقش سازنده ایران در تأمین امنیت مسیر طرح چین از طریق مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی تأکید شود و کوشش شود این امر به‌عنوان یکی از دلایل مهمی که نمی‌توان ایران را از طرح‌های اقتصادی و ترانزیتی منطقه کنار گذاشت، به مخاطبین هدف منتقل شود.

طرح راه ابریشم آمریکا شامل ایران نمی‌شود، به آثار منفی حذف ایران از مناسبات منطقه‌ای در رسانه‌های برون‌مرزی به‌ویژه شبکه انگلیسی زبان پرس‌تی‌وی و رادیوهای چینی و روسی توجه شود. در این راستا بر این موضوع تأکید شود که هم‌افزایی واحدهای مستقل سیاسی منطقه با یکدیگر نتایج مفیدی برای هر یک از این بازیگران به‌دنبال خواهد داشت. نشان داده شود که مداخله آمریکای استعمارگر در معادلات منطقه، در بلندمدت موجب ضرر کشورهای این مناطق می‌شود و با توجه به موقعیت سیاسی جغرافیایی چین و مزیت همسایه بودن آن با کشورهای منطقه طرح چین با موفقیت همراه خواهد بود.

شکل‌گیری مکانیسم سه‌جانبه ایران-افغانستان- هند برای توسعه بندر چابهار از اهمیت اقتصادی و استراتژیکی بالایی برخوردار است. با توجه به روابط هند و چین و هند و پاکستان، در جهت‌گیری رسانه‌ای در رادیوهای هندی، چینی، دری و پشتو به این موضوع توجه شود و از القای تقابل مکانیسم سه‌جانبه ایران-افغانستان- هند با توسعه بندر گوادر پاکستان یا طرح چین جلوگیری شود.

تهیه یک مستند رادیویی و تلویزیونی با موضوع «نقش و جایگاه گذشته و کنونی ایران در راه تاریخی ابریشم» به‌ویژه در شبکه پرس‌تی‌وی از جمله ضرورت‌های رسانه‌ای است. در این خصوص اهمیت دارد مستندها و سایر آثار موجود مربوط به جاده ابریشم و نقش ایران در آن از طریق زبان‌گردانی در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون‌مرزی استفاده شود. تهیه گزارش‌های خبری و برنامه‌های گفتگو محور با حضور کارشناسان چینی در رابطه با «نقش ایران در طرح چین» از



جمله ضرورت‌های رسانه‌های است که علاوه بر پخش در پرس‌تی‌وی و رادیو چینی، در کانال‌های اردو، رادیو دری و پشتو، رادیو هندی و رادیو روسی نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

تهیه گزارش‌های خبری و تولیدی از وضعیت و ظرفیت مناطق آزاد و بنادر ایران در دریای خزر و عمان (با تأکید بر بندر چابهار) و خلیج فارس و نقش آن در طرح چین، در دستور کار کلیه شبکه‌های برون‌مرزی به‌ویژه بخش چینی و پرس‌تی‌وی قرار گیرد.

رسانه‌های کردن دیپلماسی فرهنگی و تعاملات و ارتباطات نخبگان و مراکز علمی، دانشگاهی و مطالعاتی ایران با کشورهای منطقه در احیای راه ابریشم مفید است. در این صورت می‌توان انتظار اصلاح ذهنیت‌ها، برداشت‌ها و کلیشه‌های نادرست و شناخت و آگاهی واقع‌بینانه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورمان را در سطح «دیپلماسی رسمی» در ابتکار کمربند-راه چین داشت.

منابع و مأخذ

- امیراحمدیان، بهرام و صالحی‌دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۵)، «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، منافع و چالش‌ها)»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۴۲-۱.
- تمنا، محمد (۱۳۸۷)، **بررسی استراتژی ایالات متحده آمریکا و افغانستان**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی‌رکن‌آبادی، مجید و شاد، محمد (۱۳۹۳)، «درآمدی بر تحول پارادایمی معرفت و تکوین انگاره پلورالیسم»، **فلسفه علم**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۵-۵۳.
- تیشه‌یار، ماندانا، توپسرکائی، مجتبی (۱۳۹۶)، «مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۹، صص ۲۵-۱.
- جمشیدی، محمد، خاتمی، حسام (۱۳۹۹)، «نقش ابتکار طرح یک کمربند یک راه در نظم نوین اقتصادی چین»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۲۰-۱.
- خداقلی‌پور، علیرضا (۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه چین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و یکم، شماره ۱، صص ۴۹-۱۷.
- دهشیر، حسین (۱۳۸۲)، **سیاست خارجی آمریکا در آسیا**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رفیع، حسین (۱۳۹۲)، «استراتژی آمریکا در تقابل با نفوذ اقتصادی سیاسی و امنیتی چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۹، شماره ۸۳، صص ۱۰۶-۸۱.
- سازمند، بهاره و رضائی، احمد (۱۳۹۸)، «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن + ۳ یا آسه آن+۲؟»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، شماره ۱ (پیاپی ۵۳)، صص ۲۰۶-۱۸۰.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۲)، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل**، تهران: نشر سفیر.



شفاهی، مرتضی (۲۰۱۹)، «بررسی جایگاه افغانستان در طرح یک کمربند، یک جاده و تأثیر آن بر اقتصاد افغانستان»، **انسیتو مطالعات استراتژیک افغانستان**، قابل دسترسی در:

https://aiss.af/persian/aiss/news_details/opinions/5d61295516140

شبیعی، نوذر، و صالحی دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۵)، «تبیین دیپلماسی جدید همسایگی چین نسبت به افغانستان»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۴، صص ۱۰۲-۷۲.

شیدا، وانگ و کای، پیتر (۱۳۹۸)، **مجموعه مقالات چین، چشم‌انداز اقتصادی کمربندجاده ابریشم**، (ترجمه و ویراستاری زیر نظر ابوالفضل غیاثوند)، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، تهران: کتاب راهبرد.

علی‌بابایی، محبتی (۱۳۷۰)، **موازنه قوا در روابط بین‌الملل**، تهران: نشر همراه.

فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)، **مثلث آسیایی چین هند و پاکستان**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: نشر سمت.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، **روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: نشر سمت.

کوزه‌گرکالنجی، ولی (۱۳۹۷)، **نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی راه ابریشم چین**، (ابتکار یک کمربند- یک راه)، با تأکید بر چشم‌انداز و رویکردهای رسانه‌ای برون‌مرزی، واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما.

کوزه‌گرکالنجی، ولی (۱۳۹۴)، **ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی: تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یزدانی، عنایت‌الله و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۳)، «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کهنه‌ها»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۰، شماره ۸۸، صص ۱۶۶-۱۴۱.

یزدانی، عنایت‌الله و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۵)، «ابتکار کمربند- راه: قوام نظریه هارتلند»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۶، صص ۱۸۸-۱۶۳.

منابع انگلیسی

- Brzezinski, Z & JJ, Mearsheimer (2005), "clash of the Titans", **Foreign Policy**, No. 146.

- Brugier, Camille (2014), "**China's Way: the New Silk Road**", European Union Institute for Security Studies, Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/182346/Brief_14_New_Silk_Road.pdf

- Christina, Lin (2011), "China's New Silk Road to the Mediterranean: The Eurasian Land Bridge and Return of Admiral Zheng He", **ISPSW Strategy Series** 165, Berlin: ISPSW,

- Clinton, Hillary (2011), "Progress Noted, but Questions Remain over New Silk Road Initiative", **U.S. Department of State**, available at: www.state.gov/secretary.

- Clarke, Michael (2016), "One Belt, One Road and China's emerging Afghanistan dilemma", **Australian Journal of International Affairs Issue**, Vol. 70, No.5, pp. 563-579.



- Esteban, Mario and Otero-Iglesias, Miguel (2015), "What are the Prospects for the New Chinese-Led Silk Road and Asian Infrastructure Investment Bank?", Real Instituto Elcano, available at: <https://b2n.ir/u99459>

- Fedorenko, Vladimir (2013), "**The New Silk Road Initiatives In Central Asia**, Institute

Washington DC, at: www.rethinkinstitute.org/wp-content

- Jervis, Robert (1976), **Perception and Misperception in International Politics**, Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Kaplan A.Morton (2003), **System and proces in international politics**, public: morality.

- Kuchins, Andrew and Sanderson, Tom, (2013), "Northern Distribution Network (NDN)", **Center for Strategic and International Studies** (CSIS), Available at: <http://csis.org/program/northern-distribution-network-ndn>

- Mersheimer, Johnt and Zbigniew Brezeznski (2005), "Clash of Titans", **Foreign Policy**.

Najam Rafique & Fahad Humayun (2012), "Washington and the New Silk Road: A New

Great Game in Asia", **Strategic Studies**, Vol. 31/32, winter 2011 & spring 2012, pp.1-18

- Mouritzen ,Hand (1997), "Kenneth Waitz: A critical Rationlist between International politics and doregn policy" ,iver b. Neumann and ole Weaver, (eds) **The Future of Interational Relation: Maters in making** , New York: NY: Rouhedge.

- Safi, alizad, Mariama, bismellah, (2018), "Integrating Afghanistan into the Belt and Road Initiative Review", Analysis and Prospects, **Friderich Ebert Stiftury**.

Swaminathan, Aarthi (2020), Biden is relentless on one China issue, finance: The New Silk Road, Available at: [https:// yahoo.com/news/biden-china-climate-change-new-silk- road-143657484.html](https://yahoo.com/news/biden-china-climate-change-new-silk-road-143657484.html).

- Waltz, K.N (1979), **Theory of International Politics**, New York: Random House.

-Zimmerman, Thomas (2015), "**The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia**". Center on Inernational Cooperation, New York University, Available at: www.business-standard.com.